

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال هفتم، شماره اول، بهار ۱۳۹۰

صص ۶۹-۴۱

تبیین ژئوپلیتیکی کلانشهرهای جهانی

تأملی بر تفاوت‌یابی مفهومی شهر جهانی و جهان شهر

دکتر سید موسی پورموسوی - استادیار جغرافیا، دانشگاه امام حسین (ع) و مشاور شهردار تهران در امور توسعه و

مطالعات شهری

مرتضی قورچی* - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس و معاون پژوهشی مرکز مطالعات و

برنامه‌ریزی شهر تهران

قهرمان رستمی - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۰/۸

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۴/۳

چکیده

شهرهای جهانی پدیده‌های نوظهوری هستند که در متن اقتصاد جهانی به‌عنوان مکان‌های پیوند دهنده شبکه اقتصاد جهانی عمل می‌کنند و سبب شکل‌گیری فضای جریان‌ها و به‌وجود آمدن کانون‌های قدرت نوظهور در نقشه جغرافیای سیاسی جهان شده‌اند. تاکنون، ۵۴ شهر جهانی توسط پژوهشگران گروه تحقیقاتی پیترو تیلور شناسایی شده و بر اساس برخی شاخص‌های انتخابی که عمدتاً در چهار حوزه اقتصاد، فرهنگ، امکانات زیربنایی و ارتباطات است، در سه رده شهرهای جهانی آلفا (۱۰ شهر)، بتا (۱۰ شهر) و گاما (۳۴ شهر) طبقه‌بندی شده‌اند. پیرو همین طبقه‌بندی به‌نظر می‌رسد شهر اول با شهر پنجاه و چهارم تفاوت‌هایی عمیق دارد. لذا «شهر جهانی» یا «ورلد سیتی» یا «جهان‌شهر» یا «گلوبال سیتی» تفاوت بنیادی دارد. به‌طور کلی هنگامی که یک کلان‌شهر در چارچوب اقتصاد جهانی جایگاهی را کسب نماید و به‌عنوان یکی از گره‌های شبکه اقتصاد جهانی در فضای جریان‌ها به رقابت با سایر شهرها بپردازد از وضعیت کلان‌شهری به وضعیت «شهر جهانی» ارتقاء یافته است و از هر چندین ده «شهر جهانی» یک مورد تبدیل به «جهان‌شهر» می‌شود. مقاله حاضر ضمن تبیین مفهوم «شهر جهانی» و «جهان‌شهر»، سعی دارد با ترسیم تفاوت‌های این دو، ابهام مفهومی آنها را برطرف کند. هدف مقاله اثبات تفاوت میان «شهر جهانی» و «جهان‌شهر» و حوزه‌های نفوذ ژئوپلیتیکی آنها به‌صورت مجزا است. شاخص‌های مورد استفاده منبعث از مطالعات پیشین از جمله فرضیه‌های وُردل سیتی فریدمن و گلوبال سیتی ساسن و به‌ویژه شاخص‌های ۱۲ گانه پژوهشگران گروه پیترو تیلور در حوزه شهرهای جهانی است. براساس نتایج تحقیقاتی گروه تیلور، ده شهر جهانی برتر؛ به‌عنوان شهرهای جهانی آلفا شناسایی شده‌اند که شش مورد آنها؛ یعنی نیویورک، لندن،

پاریس، توکیو، هنگ‌کنگ و سنگاپور «جهان‌شهر» محسوب می‌شوند. شش شهر دیگر این گروه، در صورت ادامه روند پیشرفت، در آینده به جایگاه جهان‌شهری دست می‌یابند. همچنین «شهرهای جهانی» گروه‌های بتا و گاما، صرفاً به‌عنوان شهرهای جهانی، با درجه اهمیت متفاوت، تابع چهار «جهان‌شهر» فوق هستند. لذا مفهوم «شهر جهانی» صراحتاً متفاوت از «جهان‌شهر» است. جهان‌شهرها کانون‌های اصلی فرماندهی اقتصاد جهانی محسوب می‌شوند که در رأس سلسله مراتب شبکه شهرهای جهانی قرار گرفته‌اند.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد جهانی، شهرهای جهانی، جهان‌شهرها، کلان‌شهر، نفوذ ژئوپلیتیکی.

۱- مقدمه

«شهر جهانی» همان‌طور که از اسم آن پیداست عبارت است از شهری که در سطح جهانی در یک حوزه خاص دارای اعتبار و اهمیت باشد. این اعتبار علاوه بر این که مستلزم دارا بودن امکانات زیربنایی و ارتباطی مدرن است، می‌تواند در یکی از حوزه‌های تأثیرگذار بر تعاملات بین‌المللی از جمله اقتصاد، فرهنگ، سیاست و مانند آن باشد. شهرهای جهانی بر اساس برخی مؤلفه‌ها مانند وجود یا عدم وجود دفاتر مرکزی شرکت‌های چندملیتی، تنوع فرهنگی، حجم مهاجرت و گردشگری، وضعیت زیرساخت‌های ارتباطی و اطلاعاتی و مواردی از این دست شناسایی شده‌اند. بر این اساس تا به حال ۵۴ شهر جهانی توسط پژوهشگران شهری و شهرشناسان شناسایی شده و بر اساس برخی شاخص‌های انتخابی که عمدتاً در چهار حوزه اقتصاد، فرهنگ، امکانات زیربنایی و تکنولوژی ارتباطات است، در سه رده شهرهای جهانی آلفا (۱۰ شهر)، بتا (۱۰ شهر) و گاما (۳۴ شهر) طبقه‌بندی شده‌اند. پیرو همین طبقه‌بندی به نظر می‌رسد شهر اول با شهر پنجاه و چهارم تفاوت‌هایی عمیق دارد. لذا می‌توان گفت «شهر جهانی» یا «ورلد سیتی»^۱ با «جهان‌شهر» یا «گلوبال سیتی»^۲ تفاوت بنیادی دارد.

امروزه اگر چه چندین دهه است که این دو اصطلاح را مترادف هم در نظر می‌گیرند، لیکن بنیاد مفهومی این دو با هم متفاوت است. شاید یک شهر در مرحله تکامل و رشد خود بتواند از یک «نوزادشهر»^۳ تا یک «مادرشهر»^۴ را به سهولت طی کند، اما از آن مرحله به بعد مورد

۱. World city

۲. Global city

۳. Eopolis

۴. Megapolis

غریبال قرار گرفته و با محدودیت مواجه می‌شود. بر این اساس، کلان شهرها نیز به محض اینکه در اقتصاد جهانی پست فوردیسم جایگاهی را به خود اختصاص می‌دهند و به‌عنوان یکی از گره‌های شبکه اقتصاد جهانی به نقش‌آفرینی می‌پردازند. از کلان شهر به وضعیت «شهر جهانی» ارتقاء می‌یابند و از هر چندین ده «شهر جهانی» که در رقابت با سایر شهرهای جهانی، یکی بالاترین میزان فعالیت در اقتصاد جهانی را به‌دست می‌آورد و به‌عنوان یک مکان مرکزی به نقش‌آفرینی می‌پردازد که درحقیقت از شهر جهانی به «جهان‌شهر» تغییر وضعیت می‌دهد. به‌عبارت دیگر، گذار از «شهر جهانی» به «جهان‌شهر» به مراتب دشوارتر است. به‌طور کلی شهرهای جهانی برای اینکه از منافع اقتصاد جهانی بهره‌بر بیشتری کسب نمایند همواره تمایل دارند تا به سوی «جهان‌شهر شدن»^۱ گرایش یابند.

مقاله حاضر ضمن تبیین مفهوم «شهر جهانی» و «جهان‌شهر»، سعی دارد با ترسیم تفاوت‌های این دو با هم، پیش‌نیازهای کسب منزلت شهر جهانی، جهان‌شهر یا هر دوی آن‌ها را مورد شناسایی قرار دهد تا ابهام موجود در مفهوم و معنای این دو اصطلاح متفاوت برطرف شود و حوزه‌های نفوذ ژئوپلیتیکی آن‌ها را در چارچوب اقتصاد جهانی تبیین نماید. بنابراین هدف اصلی این مقاله اثبات تفاوت میان دو اصطلاح «شهر جهانی» و «جهان‌شهر» و حوزه‌های نفوذ آنهاست. تحقق این امر با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و جمع‌آوری داده‌ها و سپس تجزیه و تحلیل مطالب انجام گرفته است. روش توصیفی-تحلیلی مبتنی بر اصل جمع‌آوری اسنادی-کتابخانه‌ای و سپس توصیف و تحلیل و نتیجه‌گیری از آنها می‌باشد. شاخص‌های مورد استفاده در این مقاله منبعث از مطالعات پیشین به‌ویژه فرضیه‌های وُردل سیتی فریدمن و گلوبال سیتی ساسن و به‌ویژه شاخص‌های ۱۲ گانه پژوهشگران گروه پیتر تیلور در حوزه شهرهای جهانی است. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که در مجموع ده شهر جهانی برتر؛ به‌عنوان شهرهای جهانی گروه آلفا، در جهان شناسایی شده‌اند که شش مورد آنها؛ یعنی نیویورک، لندن، پاریس، توکیو، هنگ‌کنگ و سنگاپور «جهان‌شهر» محسوب می‌شوند. شش شهر دیگر این گروه، در آینده در صورت ادامه روند پیشرفت، به جایگاه جهان‌شهری دست می‌یابند. همچنین

۱. Cosmopolitanism

«شهرهای جهانی» گروه‌های بتا و گاما، صرفاً به‌عنوان شهرهای جهانی، با درجه اهمیت متفاوت، تابع سه/چهار «جهان‌شهر» فوق هستند.

۲- روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله توصیفی- تحلیلی و مبتنی بر جمع‌آوری داده‌ها، بر اساس جمع‌آوری اسنادی- کتابخانه‌ای است. بر اساس آن مستندات مرتبط با مطالعات پژوهشی شهر جهانی و جهان‌شهر و تفاوت‌های این دو با هم آرا و عقاید پژوهشگران و صاحب‌نظران حوزه شهرهای مزبور گردآوری و تحلیل شده است. به‌عبارتی، در این مقاله پس از گردآوری داده‌های لازم، ابتدا مدل‌های شهر جهانی و جهان‌شهر توصیف و تبیین شده و سپس ضمن تشریح مختصر تفاوت‌های این دو با هم، با ارائه پیش‌نیازهای کسب منزلت شهر جهانی و جهان‌شهر و همچنین کارکردهای شهری جهانی و حوزه نفوذ جغرافیایی آنها تبیین شده است.

۳- یافته‌های تحقیق

۳-۱- مدل شهر جهانی^۱

«جهانی شدن»^۲ و «اطلاعاتی شدن»^۳ با هم منجر به افزایش اهمیت برخی شهرها در «سلسله مراتب شهری جهانی»^۴ شده‌اند که از آنها به «شهرهای جهانی» تعبیر می‌شود. شهر جهانی پدیده‌ای جدید نیست، چنانچه قرن‌ها سابقه دارد (Hall & Catty, ۲۰۰۶: ۴). اگر «شهر جهانی» را معادل «وُردل سیتی» بگیریم، آن‌گاه از نظر واژه‌شناسی، عنوان «شهر جهانی» یا «وُردل سیتی» برای اولین بار از طرف پاتریک گدس^۵ در سال ۱۹۱۵ به‌کار گرفته شد (شورت و کیم، ۱۳۸۶: ۸۵). گدس این اصطلاح را برای توصیف شهرهایی که سهمی متفاوت از تجارت جهانی را

۱. World city model
 ۲. Globalization
 ۳. Informatization
 ۴. Global urban network
 ۵. Patrick Geddes

کنترل می‌کرده‌اند، به‌کار برده است (گزارش جهانی سکونتگاه‌های انسانی، ۲۰۰۱: ۴۸). پیتر هال^۱ (۱۹۶۶) با نگارش کتابی زیر عنوان «شهر جهانی» (Short, ۲۰۰۴: ۹) نخستین اثر مستند علمی مرتبط با موضوع را نگاشت. به‌عبارت دیگر، «پاتریک گدس در سال ۱۹۱۵ و هال در سال ۱۹۶۶ «شهرهای جهانی» را مورد شناسایی و تبیین قرار دادند. آنها «شهرهای جهانی» را مراکز قدرت سیاسی ملی و بین‌المللی، مقر تجارت ملی و بین‌المللی، محل استقرار بانکداری، بیمه و خدمات مالی، فعالیت‌های تخصصی پیشرفته در انواع مختلف در حوزه‌های متفاوت پزشکی، حقوقی، آموزش عالی، علم و تکنولوژی، اطلاعات، تقاضا و عرضه، انتشارات، رسانه-های ارتباط جمعی، مراکز تولید و مصرف انبوه، مراکز هنر، فرهنگ و تفریحات و فعالیت‌های وابسته به آنها بر شمردند که به‌عنوان نقاط مبادی کشورهای خود و بعضاً کشورهای همسایه عمل می‌کنند (Hall & Catty, ۲۰۰۶: ۶).

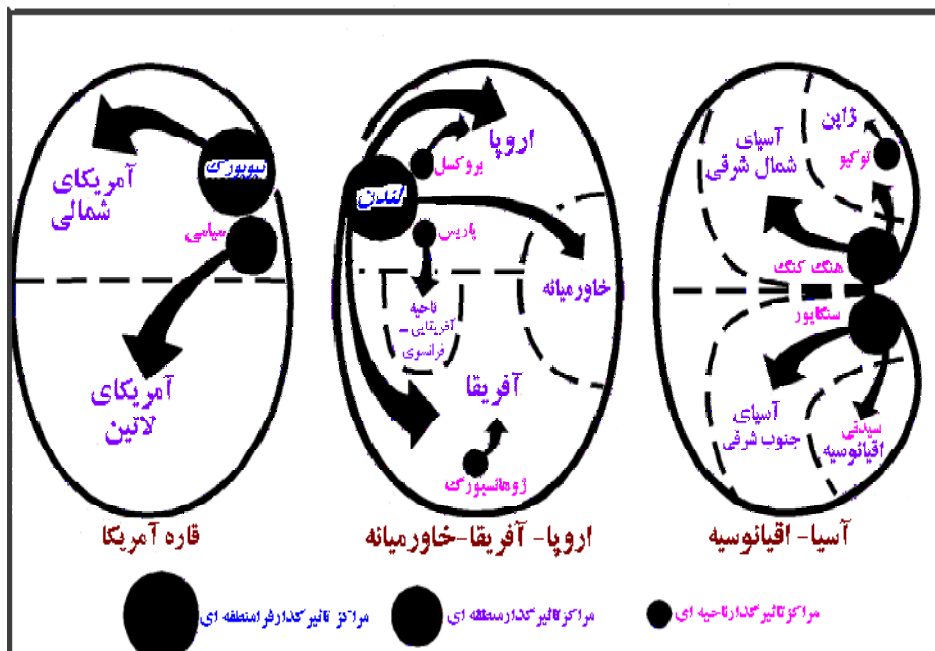
«برودل»^۲ (۱۹۸۴) از این اصطلاح برای تشریح «شهرهای پیشرو»^۳ در اقتصادهای جهانی مد نظر خود استفاده کرد. فریدمن^۴ (۱۹۸۶) «فرضیه «شهر جهانی» را ارائه داد، ساسکیا ساسن^۵ (۱۹۹۱) کتابی با عنوان «شهرهای جهانی»^۶ نوشت (Taylor, ۲۰۰۴: ۲۱) و بالاخره کاستلز^۷ (۱۹۹۶) در «جامعه شبکه‌ای»^۸ خود، به مفهوم «شهرهای جهانی» اشاراتی داشت. در همه این دیدگاه‌ها، شبکه‌هایی پیچیده ظهور کرده بودند که در کانون آنها «شهرهای جهانی» قرار داشتند. «شهرهای جهانی» در سطح جهانی در بطن فعل و انفعالات فراملی، جنبش‌های فرهنگی و داد و ستدهای اقتصادی هستند. این شهرها مراکز فرماندهی اقتصاد جهانی‌اند و به‌عنوان نقاط ارتباطی جامعه جهانی و مکان‌های مهم تحولات اجتماعی و اقتصادی عرض اندام می‌کنند.

-
۱. Peter Hall
 ۲. Braudel
 ۳. leading cities
 ۴. Fridemann
 ۵. Saskia Sassen
 ۶. the Global Cities
 ۷. Castells
 ۸. Network Society

جان فریدمن (۱۹۸۶) از این شهرها به‌عنوان «نقاط کانونی»^۱ اقتصاد جهانی تعریف می‌کند و شهرهای توکیو، لس‌آنجلس، شیکاگو، نیویورک، لندن، پاریس، زوریخ، روتردام و سائوپائولو به‌عنوان مراکز سطح اول سلسله مراتب شهری جهانی یاد می‌کند. وی همچنین «شهر جهانی» را «مرکز فرماندهی»^۲ و واقع‌شده در شبکه جهانی شهرها توصیف می‌کند. نیگل تریفت^۳ (۱۹۹۴، ۲۰۰۰) «شهرهای جهانی» را مراکز جوامع متشخص جهانی، تولید دانش می‌داند. همچنین وی (۲۰۰۱) به قدرت مستقل و بلامناع این محیط‌های فرهنگی سرمایه اشاره می‌کند. در این راستا، شورت^۴ (۲۰۰۴) نیز اظهار می‌دارد که می‌توان گفت که «شهرهای جهانی»، مکان‌های شبکه‌های مترکم تماس بین فردی و مراکز انباشت «سرمایه‌های اجتماعی و تجاری»^۵ هستند. شورت (۲۰۰۴) اذعان دارد که یک «شهر جهانی» مقر و مظهر فضایی شدن ناهمگون جریان‌ها است که نظام‌های بانکداری و حوزه‌های تجاری و حقوقی را در خود جای داده است. از نظر وی «شهر جهانی» منزل بسیاری از ملیت‌های متفاوت و قومیت‌هایی است که قبلاً ناشناخته بوده‌اند و گستره عظیمی از مهاجران معمولی و نخبگان تجاری را در خود جای داده‌اند (Short, ۲۰۰۴: ۱۴).

این پژوهشگران با بررسی و تحلیل تفصیلی کارکردهای برخی شهرهای منتخب که آنها را «شهر جهانی» نامیدند، به شیوه علمی در مورد این نوع شهرها به بحث و بررسی پرداختند. به این ترتیب، مبانی علمی «شهر جهانی» تبیین شد. هر کلان‌شهری که در سطح بین‌المللی یا جهانی در یکی از حوزه‌های اقتصاد، فرهنگ و سیاست بتواند تأثیرگذار باشد و به‌عنوان یک مرکز و قطب برتر، کارکردهایی نظیر فرماندهی، سلطه و کنترل بین‌المللی در فضای ژئوپلیتیکی خود (در سطح منطقه‌ای بزرگ مانند هنگ کنگ در جنوب شرقی آسیا یا میامی در آمریکای لاتین) را بر عهده گیرد، دارای منزلت شهر جهانی است (نقشه شماره ۱).

-
۱. Focal points
 ۲. Command center
 ۳. Nigel Thrift
 ۴. Short
 ۵. Social and commercial capital



نقشه شماره ۱: حوزه عملکرد منطقه‌ای جهان شهرها (تیلور، ۲۰۰۴)

کلانشهرهایی مانند تهران، قاهره^۱ و کلکته^۲ را نمی‌توان شهر جهانی یا جهان‌شهر لحاظ نمود، چون فاقد کارکردهای فوق هستند. به عبارت دیگر، شهر جهانی کلان‌شهری است بین‌المللی، خوش‌ارتباط، مشارکتی، قطبی‌شده، ناهمگون، تأثیرگذار، جریان‌ساز، متعامل و بانفوذ که حداکثر زیرساخت‌های لازم شهری و ارتباطی را دارا می‌باشد و در یکی یا همه حوزه‌های اصلی جهانی شدن (اقتصاد، فرهنگ، سیاست) بر یک منطقه ژئوپلیتیکی گسترده از یک یا چند قاره، تسلط نسبی مستقل (مانند میامی با تسلط بر حوزه آمریکای لاتین) یا مشترک (مانند هنگ‌کنگ و سنگاپور با تسلط در آسیا) دارد.

پیتر هال یکی از مهمترین نظریه‌پردازان حوزه شهرهای جهانی در سال ۱۹۶۶ کتابی با

۱. Cairo
۲. Calcutta

عنوان «شهرهای جهانی» منتشر کرد که این کتاب نقطه عطفی برای «مطالعات شهری»^۱ و جغرافیای سیاسی فضای جریان‌ها محسوب می‌شد. وی با الهام از عقیده گدس (۱۹۱۵) در مورد این شهرها با عنوان سکونتگاه‌های «گرگامی»^۲ در بطن اقتصاد جهانی، یک چارچوب نظریه‌ای در مورد رشد و مسائل متعاقب آن در ارتباط با «انفجار کلان‌شهری»^۳ هفت «منطقه شهری»^۴ پایه‌ریزی کرد. حال در بخش مقدماتی این کتاب نیمرخ این شهرها را با حالات مشخص آنها که این شهرها را از کلان‌شهرها و مراکز تجاری مجزا می‌نمود، فهرست نمود. از این‌رو، «شهرهای جهانی» عبارت بودند از:

- مراکز عمده قدرت سیاسی که در آنها نهادهای تصمیم‌گیری حکومتی و نهادهای سیاسی بین‌المللی قرار دارند؛
- دروازه‌هایی برای زیرساخت‌های تجاری و انتقال منابع که به دلیل وجود بندرگاه‌ها، فرودگاه‌ها، راه‌های آهن و مؤسسات مالی، نمایانگر مراکز ملی تجارت بودند؛
- مراکز گردهمایی استعدادهای حرفه‌ای (در حوزه‌های پزشکی، حقوقی، صنعتی و مانند آن)؛
- مکان‌هایی که در آنها اطلاعات و فرهنگ جمع‌آوری و پخش می‌شود و در آنها تفریحات و سرگرمی برای عموم مردم توسط رسانه‌های جمعی و دانشگاه‌هایی با دسترسی جهانی فراهم می‌آید؛
- مراکز بزرگ جمعیتی که تعداد کثیری از ثروت‌مندترین اعضای جامعه را دارا هستند (Hall, ۱۹۶۶: ۷-۹).

۱-۱-۳- فرضیه «شهر جهانی» فریدمن^۵

از آنجایی که جان فریدمن به‌طور علمی‌تر و در قالب نظریه، «شهر جهانی» را مورد تبیین و تحلیل قرار داد، لذا نظریه وی به‌عنوان دیدگاه جامع مورد تبیین قرار می‌گیرد. نقطه نظرات و

۱. Urban studies
 ۲. Nodal
 ۳. Metropolitan explosion
 ۴. City region
 ۵. Friedmann's world city hypothesis

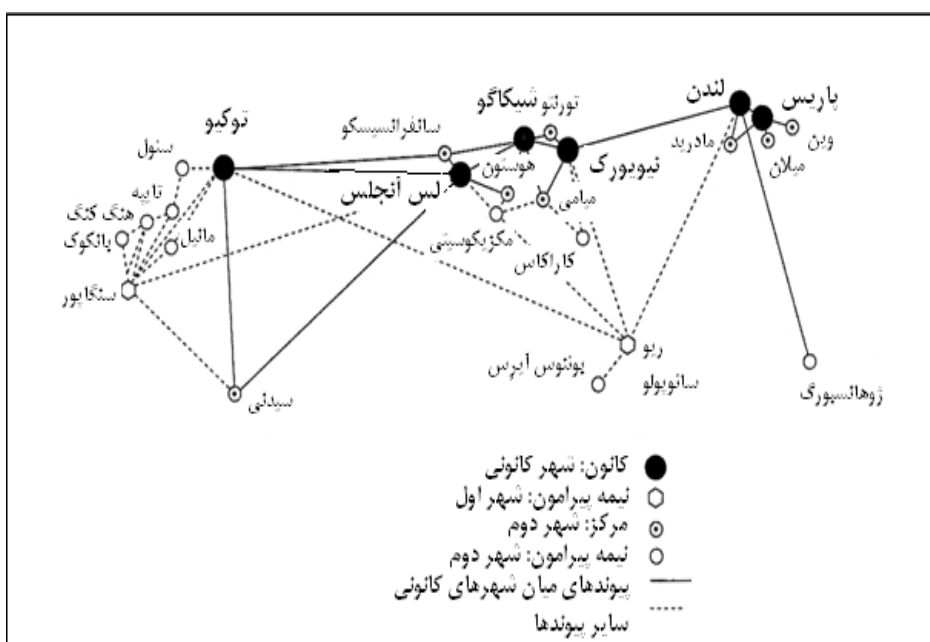
رهنمودهای پژوهشگران متعدد پیشین، به تدریج یک چارچوب مفهومی برای فریدمن فراهم آورد که باعث شد وی نظریه‌ای با عنوان «شهر جهانی» ارائه نماید. در حقیقت، این جان فریدمن بود که نخستین قاعده تحلیلی بنیادی را برای مطالعه شهر در بافت موجود ارائه نمود (۵۷: ۲۰۰۶، Keil). وی در سال ۱۹۸۶ در یک مقاله پژوهشی فرضیه «شهر جهانی» را مفهوم‌سازی نمود. فریدمن هفت مضمون مرتبط با هم را در مورد ماهیت و نقش «شهرهای جهانی» فهرست نمود:

۱. انسجام یک شهر با اقتصاد جهانی برای تغییراتی ساختاری که در داخل آن رخ می‌دهد، ضروری است؛
 ۲. شهرهای عمده به‌عنوان نقاط پایه در سازمان فضایی و درهم‌تنیدگی تولیدات و بازارها که امکان ظهور «شهرهای جهانی» را در یک سلسله‌مراتب پیچیده‌ی فضایی ممکن می‌سازند، لازم می‌باشند؛
 ۳. کارکردهای کنترل جهانی «جهان‌شهرها» در بخش‌های تولیدی آنها انعکاس می‌یابد؛
 ۴. «شهرهای جهانی» مکان‌هایی عمده برای تمرکز و انباشت سرمایه بین‌المللی هستند؛
 ۵. «شهرهای جهانی» هدف مهاجرت‌های گسترده در دو بُعد داخلی و بین‌المللی هستند؛
 ۶. «شهرهای جهانی» تحت تأثیر اثرات متناقض اجتماعی سرمایه‌داری و همین‌طور قطبی شدن فضایی و طبقاتی هستند؛
 ۷. رشد «شهر جهانی» هزینه‌های اجتماعی را در سطوحی که افزون بر ظرفیت ممکن دولت است، به بار می‌آورند (۳: ۲۰۰۹، Acuto).
- تفسیر فریدمن ریشه در ادراک شهر به‌عنوان پایگاه اقتصادی دارد و «شهرهای جهانی» از نظر وی نظام‌هایی اقتصادی-اجتماعی در «سازمان فضایی»^۱ هستند که بیشتر نمودی از مکان‌ها هستند تا بازیگران (۲۲: ۱۹۹۵، Friedmann). بر این اساس، می‌توان گفت «شهرهای جهانی» شهرهایی هستند که در قالب یک «نظام فضایی»^۲ سازمان‌یافته به‌عنوان کانون‌ها یا گره‌گاه‌های

۱. Spatial organization

۲. Spatial order

اقتصاد جهانی به ایفای نقش می‌پردازند. فریدمن در راستای نظریه خود نقشه‌ای از یک نظام ارائه نمود که پیرامون سه زیرنظام متمایز جغرافیایی - آسیا، آمریکا و اروپای غربی - با یک محور شرقی - غربی به هم پیوند یافته بود که در آن «شهرهای برتر»^۱؛ یعنی توکیو، لس‌آنجلس، شیکاگو، نیویورک، لندن و پاریس گره‌گاه‌های اصلی بودند (شکل شماره ۱).



شکل شماره ۱: سلسله مراتب «شهرهای جهانی» (Acuto, ۲۰۰۹: ۴)

۲-۳- مدل جهان‌شهر^۲

اگر «جهان‌شهر» را معادل «گلوبال سیتی» بگیریم، آن‌گاه از نظر واژه‌شناسی، ساسکیا ساسن (۱۹۸۴) اولین بار «بر اساس مطالعات پیشینه‌اش در مورد قشریندی اجتماعی و جابجایی

۱. Primate cities
 ۲. Global city model

سرمایه» (۵: ۲۰۰۹; preface & Acuto, ۲۰۰۱; Sassen)، اصطلاح «جهان‌شهر» یا همان «گلوبال سیتی» را به‌کار برد. بایستی توجه داشت که منظور گدس (۱۹۱۵) از «شهر جهانی» برای برخی شهرها مثل نیویورک همان «جهان‌شهر» مد نظر نظریه پردازانی همچون ساسن بود، با این تفاوت که اصطلاحی که گدس به‌کار برد، امروزه توسط اندیشمندانی چون جان‌رنه شورت (۲۰۰۴) و تیلور (۲۰۰۴) و ساسن (۲۰۰۰) با اصطلاحی معادل گلوبال سیتی به‌کار می‌رود. از این نظر، نوع اصطلاحاتی که آنها به‌کار گرفته‌اند، متفاوت است، ولی تلقی آنها از این اصطلاحات بعضاً «جهان‌شهر» و بعضاً نیز «شهر جهانی» است.

ساسن این اصطلاح را در مقابل «کلان‌شهر» یا «مگاسیتی» برای اشاره به لندن، نیویورک و توکیو به‌کار گرفت (گزارش جهانی سکونتگاه‌های انسانی، ۲۰۰۱: ۴۸). وی از «جهان‌شهرها» با سه مشخصه دگرگونی چشمگیر و مواردی در مبنای اقتصادی، سازمان‌های فضایی و ساختار اجتماعی یاد می‌کند و آنها را گونه‌ای جدید شکل گرفته از شهرها می‌داند (Sassen, ۲۰۰۱: preface).

به هر حال، ساسن در کتابش با عنوان «جهان‌شهر» «بر سه جهان‌شهر بزرگ لندن، نیویورک و توکیو» تأکید نمود. وی در این سه شهر، از منظر ارتباطات بیرونی آنها، جهان‌شهرها را با اقتصاد جهانی با تأکید بر کارکردهای فرماندهی آنها مورد بررسی قرار داد. وی از این شهرها به‌عنوان مراکزی برای نظام‌های جدید هم‌سنخی و کنترل، مکان‌های تولید خدمات تخصصی به‌ویژه خدمات تولیدی، از جمله حساب‌داری، خدمات مالی و مشاوره یاد کرده است. این سه شهر در نقش سه «شهر جهانی برتر جهان»، که هم‌اکنون به خاطر عظمت و برتری‌شان نسبت به سایر شهرها «جهان‌شهر» نامیده می‌شوند، با توجه به موقعیتی راهبردی که دارند، نبض اقتصاد جهان را به تکاپو وا می‌دارند. هنگامی که در توکیو شب است، در لندن صبح است و قبل از این که فعالیت‌های تجاری لندن تعطیل شوند، نیویورک پیشاپیش داد و ستد و تجارت را از سر می‌گیرد و تا زمانی که دوباره توکیو به استقبال فعالیت‌های تجاری می‌رود، نیویورک همچنان به فعالیت ادامه می‌دهد» (Short, ۲۰۰۴: ۱۲- in summary). این تلاش مستمر حکایت از جهان‌شهر بودن این سه شهر دارد. همچنین ساسن اذعان نموده است که قطبی شدن اجتماعی و فضایی از دیگر خصلت‌های «جهان‌شهر» است. در مجموع ساسن در کتاب «جهان-

شهر» دو حوزه متفاوت را مورد تأکید عمده قرار داده است: «جهان‌شهر» به‌عنوان مرکز فرماندهی و «جهان‌شهر» به‌مثابه شهر قطبی شده.

پیتر تیلور استاد جغرافیای سیاسی و مدیر گروه پژوهشی شبکه شهرهای جهانی نیز بر اساس یک تحقیق تجربی و با بازکاوی نظریه گلوبال سیتی ساسن، «جهان‌شهرها» را چنین تعریف می‌کند: «جهان‌شهرها بایستی به‌عنوان شهرهایی پیشرو شناخته شوند که رأس الگوهایی سلسله‌مراتبی نظام شهری جهانی را اشغال کرده‌اند» (Taylor, ۲۰۰۵: ۱۶۰۵). بر اساس همین تعریف است که وی شکل شماره ۲ را ارائه می‌کند که در آن چهار شهر لندن، نیویورک، توکیو و هنگ‌کنگ در رأس شهرهای دیگر قرار دارند و به‌عنوان شهرهای جهانی سستی، به مقام جهان‌شهری دست یافته‌اند.

۳-۳- تفاوت شهر جهانی و جهان‌شهر

«هر شهر جهانی ماهیتی منحصر به فرد دارد. در کنار دارا بودن مشترکاتی با شهرهای دیگر، سهم ویژه‌ای نیز در شبکه جهانی شهرها و کشورها دارد» (هریس، ۱۳۸۸: ۷۸). این سهم ویژه به‌ویژه در شبکه جهانی شهرها باعث می‌شود تا علاوه بر «شهرهای جهانی» دارای منزلت‌های متفاوت، برخی از آنها از دیگران پیشی بگیرند و به جایگاه «جهان‌شهری» دست یابند. «قرن بیستم شاهد گسترش وسیع فضایی تعاملات اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی بوده است. این تعاملات، برخی مکان‌ها را بیش از سایرین تحت تأثیر قرار داده است، اما آنها مناطق وسیعی از سطح زمین را متأثر ساخته‌اند که تحت لوای «جهانی‌شدن» گروه‌بندی شده‌اند» (Blij & Murphy, ۱۹۹۹: ۵۰۳). این پدیده شهرهایی با درجات اهمیت مختلف در سطح جهان خلق کرده است. به‌عنوان مثال، مادرشهر، کلان‌شهر، شهر جهانی و ... از بارزترین گروه‌ها در گروه‌بندی مزبور هستند. ساسن (۲۰۰۴) اولین کسی بود که بین «شهر جهانی» و «جهان‌شهر» تفاوت قائل شد. وی در یکی از آثارش به‌عنوان «کلان‌شهر جهانی»^۱ عنوان نمود: «شهرهای جهانی بسیار بزرگ هستند، اما همه شهرهای بزرگ، جهان‌شهر نیستند. ما می‌توانیم «کلان

۱. Global Metropolitan; Globalizing Cities in a Capitalizing World

شهرها^۱؛ یعنی آن دسته از «شهرهای بزرگ»^۲ و دارای رشد روزافزونی که در سراسر جهان، به ویژه در جهان سوم مانند تهران یافت می‌شوند و جهان‌شهرها که آنها هم بزرگند، اما از ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردارند، تفاوت قائل شویم. همچنین می‌توانیم بین «شهرهای جهانی» و «جهان‌شهرها» تفاوت بگذاریم. «شهرهای جهانی» شهرهایی هستند که در «شبکه شهری جهانی»^۳ جریان‌ها، افراد، کالاها، عقاید و کارکردها با هم در ارتباطند، اما این ارتباط سست، ناپایدار و ضعیف است (مانند استانبول و مسکو)، در مقایسه، «جهان‌شهرها»؛ شهرهایی که به تدریج به مقام جهان‌شهر رسیده‌اند، از جمله لندن، نیویورک و توکیو هنگ کنگ و سنگاپور و پاریس) کانون و مرکز ثقل شبکه شهری جهانی و تمامی فعل و انفعالات مرتبط با آن هستند. اگر ما از استعاره «سلسله‌مراتب»^۴ استفاده کنیم، در آن صورت چنین شهرهایی در رأس این سلسله مراتب جای دارند و اگر چنانچه از استعاره «شبکه»^۵ استفاده کنیم، آنها نقاط اصلی تبادل و شهرهای جهانی هم‌پیوند به معنای اخص هستند (Short, ۲۰۰۴، ۲). «جهان‌شهرها» پدیده‌هایی هستند که مراکز تولید و مصرف و خدمات محلی وابسته را در یک شبکه جهانی منسجم به هم مرتبط ساخته‌اند این شهرها به سبب جریان‌هایی که از آنها می‌گذرد، ثروت، کنترل و قدرت را در خود متمرکز و جمع نموده و حفظ می‌کنند. «جهان‌شهر» به معنای تعلق داشتن به اقتصاد جهانی و رهایی از قید و بندهای اقتصاد ملی است. «شهرهای جهانی» به «جهان‌شهر شدن» گرایش دارند (شورت و کیم، ۱۳۸۶: مقدمه).

شکل شماره ۲ نشان می‌دهد که در مطالعه بورستاک، اسمیت و تیلور (۱۹۹۴) که بر اساس تعداد و ارزش خدمات تولیدی پیشرفته در «شهرهای جهانی» در سه حوزه مهم و معتبر خدماتی؛ یعنی دفاتر تبلیغاتی، بانکی و خدماتی انجام گرفته است، ۱۰ «شهر جهانی» لندن، نیویورک، توکیو، هنگ‌کنگ، پاریس، فرانکفورت، سنگاپور، لس‌آنجلس، شیکاگو و میلان به عنوان ۱۰ «شهر

۱. Metropolitans, Mega-cities

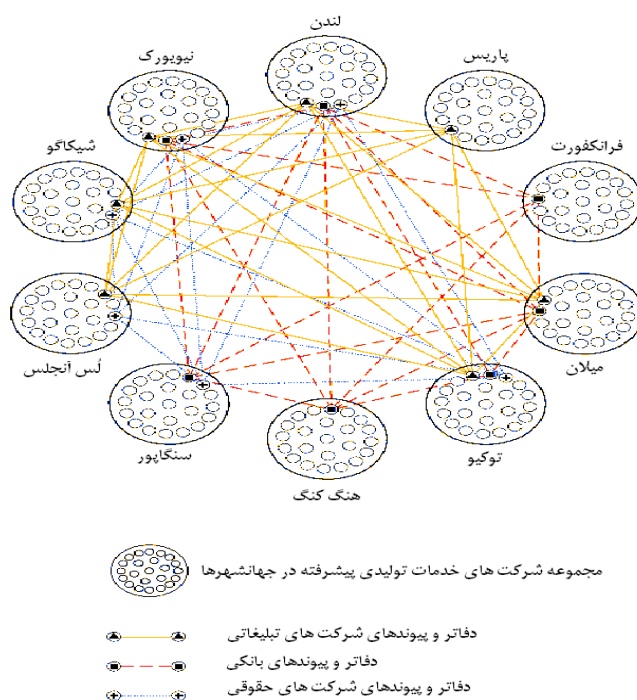
۲. Large/ Big cities

۳. Global urban network

۴. Hierarchy

۵. Network

جهانی» برتر جهان شناخته شده‌اند. حدود یک دهه قبل از این مطالعه، جان فریدمن شش شهر لندن، نیویورک، توکیو، پاریس، لس‌آنجلس و شیکاگو را «شهرهای جهانی» برتر جهان شناخته بود و آنها را گره‌گاه‌های اصلی شبکه شهری جهانی شناخته بود (شکل شماره ۱).



شکل شماره ۲: ۱۰ شهر جهانی و جهان‌شهر برتر و وضعیت شرکت‌های خدمات تولیدی پیشرفته

در آنها (Beaverstock, Smith and Taylor, ۱۹۹۹: ۴۴۵-۵۸)

«در دهه ۱۹۸۰ جان فریدمن شروع به تعمیق تحلیل «شهر جهانی» نمود و اعلام داشت که جهانی‌شدن منجر به یک سلسله مراتب شهری شده است که در آن لندن، نیویورک و توکیو به‌مثابه «گره‌گاه‌های جهانی اقتصاد»، میامی، لس‌آنجلس، فرانکفورت، آمستردام و سنگاپور «گره‌گاه‌های چندملیتی یا به‌عبارتی فراملی» و پاریس، زوریخ، مادرید، مکزیکوسیتی، سائوپولو، سئول و سیدنی به‌عنوان گره‌گاه‌های مهم ملی» مطرح هستند. همه این موارد یک «شبکه» را

شکل می‌دهند» (Smith and Timberlake, ۲۰۰۲: ۲۹۴).

بنابراین می‌توان اذعان نمود که در تحلیل فریدمن از سلسله مراتب شهرهای جهانی و تقسیم‌بندی آنها به سه طیف شهری پیش گفته، رده اول به‌عنوان «شهر جهانی جهانی شده» مطرح هستند (چنانچه وی از شهرهای رده اول به‌عنوان «گره‌گاه‌های جهانی» یاد می‌کند که این به‌نوعی تبیین مفهوم «جهان-شهر» است). رده دوم نیز همان توصیف و تبیین «شهر جهانی» است و در رده سوم نیز با شهرهایی با اهمیت ملی مواجه‌ایم. لذا در نتیجه‌گیری از این تحلیل می‌توان گفت که مفهوم «شهر جهانی» متفاوت از مفهوم «جهان‌شهر» است، چنانچه تا حال حاضر نیز همین رویه ادامه دارد و در تقسیم‌بندی‌هایی که توسط پژوهشگران شهرهای پیشرو جهان انجام می‌شود، همیشه یک طیف شهری پیش‌قراول با فاصله‌ای فاحش از شهرهای دیگر پیشی گرفته‌اند (که آنها همان «جهان‌شهرها» - که زمانی در گذشته «شهرهای جهانی» بوده‌اند- هستند) و یک طیف دیگر به‌عنوان شهرهای دنباله‌رو ایفای نقش می‌کنند (که آنها همان «شهرهای جهانی» هستند) - (شکل شماره ۳).

در پژوهش‌های علمی که توسط متخصصان «دیپلماسی شهری»^۱ و «شبکه شهری»^۲ انجام گرفته است، نخست «شهرهای جهانی» مشخص شدند و سپس با غربال کردن آنها، مجموعه‌ای از «شهرهای جهانی» برتر بر اساس برخی شاخص‌های انتخابی (شاخص‌های ۱۲ گانه پژوهشگران گزینش و مابقی آنها حذف شدند. بر این اساس ۱۶ شهر انتخاب شد و با استفاده از عامل وزن‌دهی بر اساس شاخص‌های مزبور ۵ شهر نیویورک، لندن، توکیو و هنگ کنگ پاریس به‌عنوان شهرهایی شناخته شدند که بر همه شهرهای دیگر مسلط بودند (شکل شماره ۲). لذا این چهار شهر که رأس سلسله‌مراتب شهری جهانی را به‌خود اختصاص داده‌اند، «جهان‌شهرها» یا همان «شهرهای جهانی» جهانی شده و سایر ۱۲ شهر که امتیاز آنها پایین‌تر از این ۴ شهر است و وابستگی شدیدی به پیوندهای بین شهری با این ۴ شهر جهانی دارند، «شهرهای جهانی وابسته یا دنباله‌رو»^۳ نامیده می‌شوند.

۱. City diplomacy

۲. Urban network

۳. Wannabe world cities